

## نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیتهای کارآفرینی دانشجویان

دکتر کیوان صالحی ۱  
دکتر حجت اله مرادی پردنجانی ۲

از صفحه: ۵۷-۸۱  
تاریخ ارایه: ۹۴/۲/۸  
تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۱۵

### چکیده

این مقاله درصدد است تا نقش آموزش‌های دانشگاهی را در توسعه قابلیت‌ها و فعالیتهای کارآفرینانه دانشجویان مورد بررسی قرار دهد. روش آن توصیفی - پیمایشی بوده که با هدفی کاربردی انجام گرفته است. جامعه تحقیق را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تشکیل می‌دهد که از میان آنها جمعاً تعداد ۲۰۰۰ دانشجو از مناطق ۲۶ گانه دانشگاه به روش تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آماری تی و کای دو مورد تحلیل قرار گرفت، و یافته‌های زیر به دست آمد: در دانشجویان، میانگین قابلیت‌های پیشرفت‌طلبی، خلاقیت و کنترل درونی نسبت به قابلیت‌های ریسک‌پذیری و استقلال‌طلبی آنان بیشتر است؛ میانگین فعالیتهای انجام طرح‌های ابتکاری و گذراندن درس کارآفرینی نسبت به فعالیتهای نگارش مقاله و انجام تحقیق، عضویت در انجمن کارآفرینی و شرکت در کارگاه‌های آموزشی بیشتر است؛ از دیدگاه دانشجویان آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه کلیه قابلیت‌های کارآفرینی آنان نقش داشته است؛ همچنین از دیدگاه آنان آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فعالیتهای کارآفرینانه دانشجویان در زمینه‌های نگارش مقاله و تحقیق، فراهم ساختن زمینه عضویت دانشجویان در انجمن کارآفرینی دانشگاه، فراهم ساختن زمینه شرکت دانشجویان در کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی، نقشی معنادار به لحاظ آماری

۱. استادیار، سنجش آموزش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

keyvansalehi@ut.ac.ir

hmoradip@gmail.com

۲. استادیار، مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

داشته است، اما در زمینه تشویق به انجام طرح‌های ابتکاری و ارائه آموزش مفاهیم کارآفرینی نقش معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** آموزش‌های دانشگاهی، قابلیت‌ها، فعالیت‌ها، کارآفرینی، دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی.

### مقدمه

از آنجائی‌که دانشگاه‌ها به عنوان متولیان اصلی تربیت و پرورش منابع انسانی متخصص در جامعه، نقش اساسی دارند، توجه به مقوله کارآفرینی در دانشگاه به توسعه بهتر این امر کمک می‌کند. دانشگاه می‌تواند و انتظار می‌رود که با تکیه بر رسالت اصلی خود یعنی آموزش و پژوهش، مسیر کار بردی نمودن و بهره برداری از قابلیت‌های ایجاد شده در دانش‌آموختگان را از طریق توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه هموار و رشد مداوم دانشگاه، صنعت، دولت و سایر بخش‌های جامعه را در همه زمینه‌ها عینیت بخشد (طالبی و زارع یکتا، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

از وظایف دانشگاه ارایه آموزش‌های مرتبط با رشته و آموزش مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی است. دانشگاه در کنار آموزش‌های علمی و گاهی مهارت‌های فنی رشته مورد نظر، آموزش کارآفرینی ارایه می‌کنند (صالحی عمران و رستمی، ۱۳۸۷)، چرا که این آموزش‌ها پایه و اساسی برای ایجاد شغل، نوآوری، ارزش جدید و رقابت در بازارهای متنوع می‌باشد (مهدی‌وند و زالی، ۱۳۹۱). کارآفرینی در آموزش عالی فرایند مستمری است که از یک سو به شناسائی و بهره‌برداری مؤثر از منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می‌شود و از سوی دیگر، موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی و یادگیری می‌گردد. این فرایند با تکیه بر دو محور آموزش فراگیر کارآفرین و پرورش قابلیت‌های کارآفرینانه آنان محقق می‌گردد (حسن مرادی، ۱۳۸۲). لذا رویکرد مراکز آموزش عالی در بحث کارآفرینی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه علمی هر کشوری است که در آن به شناسائی و پرورش استعدادهای کارآفرینی دانشجویان پرداخته و بستر مناسبی برای گرایش آنان به فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم می‌سازد (Solomon 8 fernald, 1993, 102-107).

سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که نگرش، گرایش و رفتار کارآفرینانه چگونه در دانشجویان ایجاد می‌شود؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت که دانشگاه می‌تواند کارآفرینی را از طریق آموزش‌های دانشگاهی پرورش دهد (سالازار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ ترجمه سیامک نطق، ۱۳۸۳). نظریه پردازان علم مدیریت که بعد فنی کارآفرینی را مورد مطالعه قرار می‌دهند، بر این اعتقادند که کارآفرینان می‌توانند در کلاس درس آموزش ببینند و بالنده شوند (عابدی، ۱۳۸۱). بنابراین آموزش‌های کارآفرینی امروزه به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است (احمدپورداریانی،

۱۳۸۹). دانشگاه‌ها ملزم هستند برای ترویج و ترقی آموزش کارآفرینی بیندیشند، چون نسل جوان نیاز دارد که بدانند چطور در برابر محیط‌های نا امن و پیچیده و قوانین و مقررات متغیر در بازار کار به طور انعطاف پذیر عمل کنند. ساختار نظام آموزش عالی باید به گونه ای باشد که فارغ التحصیلان بتوانند در آینده به عنوان کارآفرین فعالیت کنند (Ussman, 1988, 13-15). آموزش عالی باید بتواند با ارایه برنامه‌های آموزشی مناسب در پرورش ویژگی‌های پیشرفت طلبی، استقلال طلبی، خلاقیت، کنترل درونی و ریسک‌پذیری در دانشجویان موثر بوده و توانائی‌های بالقوه دانشجویان را شناسایی نماید و این توانایی را در بین آن‌ها ایجاد کند که به جای جستجوی کار خودشان به عنوان نیروی مولد علاوه بر ایجاد کسب و کار برای خود و دیگران نیز کار کنند. حال این سوال پیش می‌آید که آیا برنامه‌های آموزشی دانشگاه در پرورش قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان موثر بوده است؟

در این مقاله سعی شده است تا ضمن شناسایی قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان، میزان نقش برنامه‌های آموزشی دانشگاه در پرورش قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه آنان مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین مسئله اساسی این است که آیا برنامه‌های آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی توانسته است زمینه‌های کارآفرینی (قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه) را برای دانشجویان فراهم ساخته و توسعه دهد؟

## مبانی نظری

تمامی مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تاکنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های اقتصادی خود تشریح نموده‌اند و اندیشمندان دیگر نیز از قرن نوزدهم میلادی تا دهه شصت قرن بیستم به آن پرداختند و بعد از آن همراه با گرایش تحلیل‌های اقتصادی به استفاده از شیوه‌های آماری و ریاضی، بحث کارآفرینی صرفاً در دیدگاه‌های اقتصادی مطرح نشد (Jenings, 1994, 124). روانشناسان نیز در اواسط قرن بیستم توجه خود را به تحلیل فرد معطوف داشتند و اکثر آنها به دنبال کشف پاسخ این سوال بودند که کدام ویژگی‌های فردی کارآفرین است که وی را از غیر کارآفرین متمایز می‌سازد؟ هدف آنان در واقع کشف چگونگی ایجاد این ویژگی‌های متمایزکننده است. از این رو از تحقیقات روانشناسان به عنوان نظریه شخصیتی یا نظریه ویژگی‌ها نام برده می‌شود

احمدپورداریانی به مولفه‌های کلیدی کارآفرینی اشاره دارد و بر این باور است که با اندازه‌گیری ویژگی‌های کارآفرینانه افراد می‌توان قابلیت‌های کارآفرینی آنان را مورد ارزیابی قرار داد. از نظر ایشان مهمترین قابلیت‌های کارآفرینان عبارتست از: پیشرفت‌طلبی<sup>۱</sup> (تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت‌های رقابتی)؛ استقلال‌طلبی<sup>۲</sup> (با عباراتی چون "کنترل داشتن بر سرنوشت خود، کاری را برای خود انجام دادن و آقای خود بودن" نشان داده می‌شود)؛ خلاقیت<sup>۳</sup> (خلق اندیشه‌های نو و جدید است که این اندیشه‌ها ممکن است به محصولات و خدمات جدید منجر شوند و فرایندی روانشناختی است که از طریق آن محصولات ارزشمند ایجاد می‌شود)؛ مرکز کنترل<sup>۴</sup> (عقیده نسبت به اینکه تحت کنترل وقایع خارج(شانس و تصادف) یا داخلی(تلاش، کوشش و استعداد شخصی) باشد) و ریسک‌پذیری<sup>۵</sup> (پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌تواند از طریق تلاش‌های شخصی او مهار شوند).

رشد و توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه در افراد فرایندی پرورشی است و در تأیید این ادعا یافته‌های تجربی نیز در دست می‌باشد. مک کله لند<sup>۶</sup> (۱۹۶۱)؛ براش و واندرروف<sup>۷</sup> (۱۹۹۲)؛ ریسال<sup>۸</sup> (۱۹۹۲)؛ بای‌گریو<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) و هوارد<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۴) هر کدام ضمن تشریح قابلیت‌های ویژه کارآفرینان به بررسی نقش توسعه این قابلیت‌ها بر کارآفرینی افراد پرداختند و دریافتند که رابطه مستقیمی بین این قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد. اتیو و همکاران<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) کلوفستن<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۷) و استفنسون و همکاران<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۷) نیز نشان دادند که به کارگیری روش‌های توسعه آموزش در دانشگاه با مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری دارد اما محتوای

- 
1. Need For Achivement
  2. Need for Independence
  3. Creativity
  4. Lucus of Control
  5. Risk Taking- Propensity
  6. McClelland
  7. Brush & Vanderwerf
  8. Rissal
  9. Bygrave
  10. Howard
  11. Aution et al
  12. Klofsten
  13. Stephenson et al

برنامه آموزشی دانشگاه و سرفصل‌های دروس دانشگاه با مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی‌داری ندارند. راشید<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) ضمن بررسی نقش آموزش بر افزایش نگرش و خصوصیات کارآفرینانه افراد دریافت، افرادی که تحت آموزش‌های کارآفرینی قرار گرفته‌اند، نمرات بیشتری در انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، خلاقیت و ریسک‌پذیری به دست آورده‌اند. هنسمارک<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در بررسی نقش آموزش در افزایش مرکز کنترل درونی افراد متوجه شد که برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی بر میزان کنترل درونی افراد تاثیرگذار است. پیتسکو<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نشان داد که محتوای برنامه آموزشی دانشگاه با روحیه کارآفرینی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری دارد. آیوشیک<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) در تحقیقی ضمن بررسی میزان موفقیت دانشگاه در توسعه کارآفرینی، به این نتیجه رسید که بایستی کارآفرینی از طریق آموزش‌های مناسب دانشگاهی توسعه داده شود.

تسماجربا<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش کارآفرینی بر نیت کارآفرینانه دانشجویان کسب و کار و مهندسی در اتیوپی، به این نتیجه رسید که دانشجویانی که در دوره‌های آموزش کارآفرینی مشارکت داشتند، تمایل و قصد کارآفرینی بالاتری نسبت به دانشجویانی که در دوره‌ها شرکت نداشتند، از خود نشان داده‌ند. بر طبق مطالعات لپیستو و رونکو<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) در حوزه کارآفرینی و تمایل به راه‌اندازی بنگاه‌های کسب و کار، دانشجویان به سه طبقه نوآوران، پیروان و شکاکان<sup>۷</sup> طبقه‌بندی شدند. آنها به این نتیجه رسیدند که اگر در برنامه درسی و به ویژه فرایندهای یاددهی یادگیری، نقش بسزایی برای «نقد دانسته‌ها» و مطالبی که آموزش داده می‌شود، در نظر گرفته شود، می‌تواند در ارتقای مهارت‌ها و نگرش دانشجویان به امر کار آفرینی، تاثیر شگرفی بر جای گذارد. مطالعات میلمن، لی، ماتلای و ونگ<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) نشان داد که برخورداری

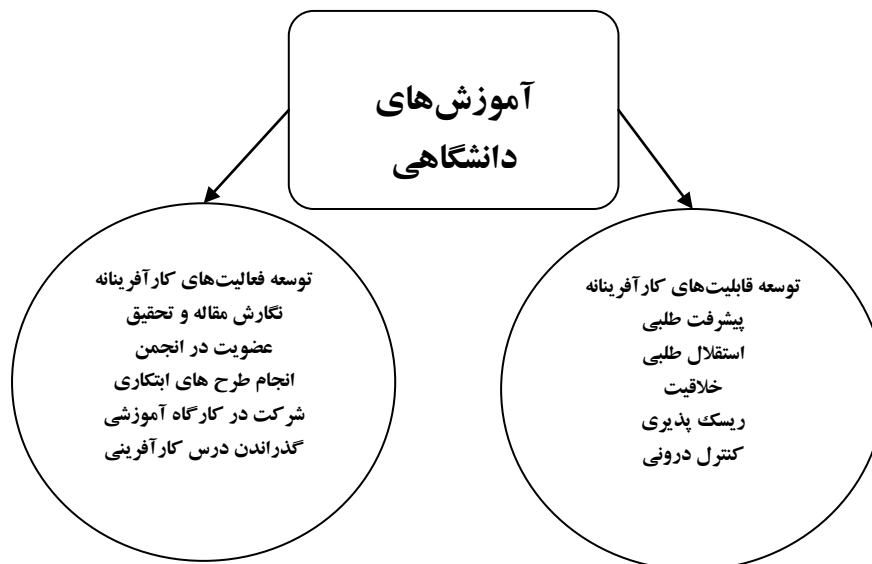
- 
1. Rasheed
  2. Henesmark
  3. Pitesco
  4. Kaushik
  5. Tessema Gerba
  6. Lepistö & Ronkko
  7. sceptics, followers, and innovators
  8. Millman., Li., & Wong

دانشجویان از نظم مطالعاتی و استفاده صحیح و به‌موقع از فناوری ارتباطات و اطلاعات در تدریس محتوای آموزش، نقش مثبت و معناداری در برقراری ارتباط با ویژگی‌های محیط و محتوای آموزش داشته و در افزایش نرخ کارآفرینی و راه‌اندازی بنگاه‌های کسب و کار نقش موثری ایفا می‌نماید. تسماجربا<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که از علل اصلی نرخ ناچیز کارآفرینی، روش‌های سنتی تدریس و ارزشیابی دانشجویان است. همچنین کیفیت پایین اساتید و معلمان، نیز نقش پررنگی در کاهش کیفیت و توانمندی‌های دانشجویان دارد.

با وجودی که نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی- اجتماعی و اشتغال‌زایی انکارناپذیر است ولی شواهد موجود بیانگر آن است که در کشور ما برنامه‌های آموزشی موجود در آموزش عالی در جهت پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان تدوین نشده است (صالحی عمران و رستمی، ۱۳۸۷، ۲۴-۲۲). عزیزی (۱۳۸۲) در بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی نتیجه گرفته که بین متغیرهای کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و اخلاقیت دانشجویان با کارآفرینی آنان رابطه معناداری وجود دارد. هزار جریبی (۱۳۸۲) در تحقیق خود به رابطه بین کارآفرینی و آموزش دوره‌های انگیزه پیشرفت، اخلاقیت، ریسک‌پذیری و استقلال‌طلبی اشاره کرده است. یارائی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای با بررسی برخی روحیات کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع به این نتیجه رسید که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند و ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر بوده است. حسینی و عزیزی (۱۳۸۴) در بررسی عوامل موثر بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه تهران دریافتند که بین سطح تحصیلات و به‌کارگیری روش‌های آموزش کارآفرینی با مهارت‌های کارآفرینی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نشان دادند که متغیرهای به‌کارگیری روش‌های آموزش کارآفرینی، درآمد خانواده، روحیه کارآفرینی و تحصیلات پدر ۲۶ درصد از تغییرات مربوط به مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند و متغیرهای محتوای برنامه آموزشی دانشگاه و سطح تحصیلات مادر ۰/۰۵ درصد از تغییرات روحیه کارآفرینی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کنند. بدری و همکارانش (۱۳۸۴) در بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان دریافتند

که آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان موثر نبوده است. امیری و مرادی (۱۳۸۷) در بررسی نگرش‌های دانشجویان و تعیین موانع درون دانشگاهی این نگرش‌ها نشان دادند که چهار عامل سبک مدیریت، محتوای دروس، نظام اداری و مالی و عملکرد کارکنان دانشگاه به ترتیب به عنوان مهم‌ترین موانع درون دانشگاهی نگرش‌های کارآفرینانه به شمار می‌آیند. صالحی عمران و رستمی (۱۳۸۷) ضمن بررسی نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دریافتند که برنامه‌های آموزشی دانشگاه زمینه مناسبی برای پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان فراهم نکرده است. سعیدی و مهتدی (۱۳۸۷) ضمن بررسی نقش آموزش‌ها بر توسعه رفتار کارآفرینانه نشان دادند که این دوره‌ها نقش مثبتی بر رفتار کارآفرینانه داشته است به عبارت دیگر شرکت در دوره‌های مربوط سبب شده تا فراگیران نسبت به تغییر وضعیت شغل و کسب و کار خود تحریک شده و تلاش کنند خود را به سطوح بالاتر برسانند.

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه موضوع در این مقاله از مدل مفهومی زیر جهت بررسی نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان استفاده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی



- با توجه به مدل مفهومی بالا در این مقاله فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفته است:
۱. قابلیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی به طور معناداری بالاتر از میانگین است.
  ۲. فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی به طور معناداری بالاتر از میانگین است.
  ۳. آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی به طور معناداری در توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه دانشجویان، نقش مثبتی دارد.
  ۴. آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی به طور معناداری در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان، نقش داشته است.

### روش پژوهش

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به بررسی و کاربرد آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینانه توجه دارد به لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و با توجه به اینکه به مطالعه نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و گرایش‌های کارآفرینی می‌پردازد در زمره طرح‌های توصیفی پیمایشی به شمار می‌آید.

نمونه آماری تحقیق را ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تشکیل می‌دهد که با استفاده از فرمول کوکران و به روش خوشه‌ای از مناطق چندگانه دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، علاوه بر اطلاعات کتابخانه‌ای که به منظور دست‌یابی به پیشینه تحقیق انجام گرفت، از یک پرسش‌نامه محقق ساخته برای سنجش قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان و همچنین بررسی نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه این قابلیت‌ها و فعالیت‌ها استفاده شده است. به منظور بررسی و یژگی‌های پرسشنامه، از روایی محتوا و بررسی میزان همسانی درونی، استفاده گردید. بررسی نظرات خبرگان و متخصصان محتوایی بر گویه‌ها، نشان از وجود روایی محتوا در پرسشنامه بود. به منظور بررسی همسانی درونی، با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، ضرایب ۰/۸۹؛ ۰/۸۷ برای سوالات مربوط به قابلیت‌های کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه و همچنین ۰/۹۱؛ ۰/۹۳ برای سوالات مربوط به بررسی نقش آموزش‌های دانشگاهی بر قابلیت‌های کارآفرینی و نقش آموزش‌های دانشگاهی بر فعالیت‌های کارآفرینانه به دست آمد. با توجه به معیار ۰/۷۰ صدم،

می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر به لحاظ ویژگی‌های فنی، در وضعیت مطلوبی قرار دارد. به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های از آزمون آماری تی استیودنت تک‌نمونه‌ای<sup>۱</sup> و خی دو<sup>۲</sup> استفاده گردید. تمامی محاسبات آماری، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام شده است.

### یافته‌ها

در ادامه، به منظور بررسی یافته‌ها، هر یک از فرضیه‌ها به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن در ادامه آورده شده است. قبل از این که نتایج مربوط به آزمون فرضیات مورد بررسی قرار گیرد خلاصه‌ای از ویژگی‌های جمعیت‌شناسی آزمودنی‌ها به لحاظ توزیع جنسیتی، سنی و رشته تحصیلی ارائه می‌شود.

### خلاصه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های تحقیق

جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های تحقیق را بر حسب جنسیت، گروه سنی و گروه تحصیلی نشان می‌دهد. همان‌گونه که نتایج جدول نشان می‌دهد، از تعداد کل نمونه‌های تحقیق (۲۰۰۰ دانشجوی) ۵۸ درصد را آقایان و ۴۲ درصد را خانم‌ها تشکیل می‌دهند؛ از میان گروه‌های مختلف سنی نیز، گروه سنی ۲۸-۲۴ سال بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است، همچنین نتایج جدول حاکی از آن است که بیشتر دانشجویان مورد مطالعه تحقیق را به ترتیب دانشجویان گروه‌های فنی و مهندسی، ادبیات و علوم انسانی، کشاورزی و علوم پایه تشکیل می‌دهد.

- 
1. One sample T test
  2. Chi square

جدول شماره ۱: خلاصه ویژگی‌های جمعیت شناختی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

متغیرها	جنسیت		گروه سنی			گروه تحصیلی		
	مرد	زن	۲۹-۳۳	۲۴-۲۸	۱۸-۲۳	ادبیات	علوم پایه	کشاورزی
فراوانی	۱۱۶۰	۸۴۰	۶۲۵	۹۶۴	۴۱۱	۵۴۰	۲۷۰	۴۶۰
درصد	۵۸	۴۲	۳۱/۲۵	۴۸/۲	۲۰/۵۵	۲۷	۱۳/۵	۲۳
فنی و مهندسی								۷۳۰

قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی به طور معناداری بالاتر از میانگین است. برای سنجش میزان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، پنج متغیر استقلال طلبی، پیشرفت طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری و مرکز کنترل درونی در نظر گرفته شد. نمره معیار از طریق محاسبه نمره متوسط هر یک از ابعاد پرسشنامه به دست آمد. در جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار و نمره معیار دانشجویان در ابعاد مورد بررسی آمده است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

قابلیت	میانگین	انحراف معیار	تعداد	نمره معیار	آماره آزمون تی استیودنت	درجه آزادی	معنی‌داری
قابلیت‌های کارآفرینی (کلی)	۱۵۵/۱۵	۴/۹۹	۲۰۰۰	۱۵۰	۱۳۷/۶۴	۱۹۹۹	۰/۰۰۰
پیشرفت طلبی	۳۸/۴۲	۴/۶۰	۲۰۰۰	۳۰	۱۱۷/۹۲	۱۹۹۹	۰/۰۰۰
استقلال طلبی	۲۵/۸۰	۵/۲۵	۲۰۰۰	۳۰	۶۹/۴۷	۱۹۹۹	۰/۲۲
خلاقیت	۳۴/۷۴	۴/۸۵	۲۰۰۰	۳۰	۱۰۱/۱۵	۱۹۹۹	۰/۰۰۰
ریسک‌پذیری	۲۳/۱۲	۵/۰۲	۲۰۰۰	۳۰	۶۴/۰۴	۱۹۹۹	۰/۲۴
کنترل درونی	۳۲/۰۷	۵/۲۴	۲۰۰۰	۳۰	۱۰۶/۹۴	۱۹۹۹	۰/۰۰۰

نتایج این جدول نشان می‌دهد که: میانگین نمره پیشرفت‌طلبی دانشجویان ۳۸/۴۲ است که از میزان متوسط نمره معیار ۳۰ بالاتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.001$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که می‌توان فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت معنادار روحیه پیشرفت‌طلبی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره روحیه پیشرفت‌طلبی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تایید می‌گردد. میانگین نمره استقلال‌طلبی دانشجویان ۲۵/۸۰ است که از میزان متوسط نمره معیار ۳۰ بالاتر است. هرچند میانگین استقلال‌طلبی دانشجویان بالاتر از میانگین است اما مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.001$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که نمی‌توان فرض صفر مبنی بر نبود تفاوت معنادار بین روحیه استقلال‌طلبی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره روحیه استقلال‌طلبی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تایید نمی‌گردد.

میانگین نمره خلاقیت دانشجویان ۳۴/۷۴ است که از میزان متوسط نمره معیار ۳۰ بالاتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.001$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که می‌توان فرض صفر مبنی بر نبود تفاوت معنادار خلاقیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره خلاقیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تایید می‌گردد.

نگاهی به میانگین نمره ریسک‌پذیری دانشجویان ۲۳/۱۲ نشان می‌دهد که میزان ریسک‌پذیری از میزان متوسط نمره معیار ۳۰ پایین‌تر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.24$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که نمی‌توان فرض صفر مبنی بر نبود تفاوت معنادار بین روحیه ریسک‌پذیری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره روحیه ریسک‌پذیری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تایید نمی‌گردد. میانگین نمره کنترل درونی دانشجویان ۳۲/۰۷ است که از میزان متوسط نمره معیار ۳۰ بالاتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.001$ ) با

آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که می‌توان فرض صفر مبنی بر نبود تفاوت

معنادار بین روحیه کنترل درونی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره روحیه کنترل درونی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تایید می‌گردد.

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۲ در می‌یابیم که میانگین قابلیت‌های پیشرفت‌طلبی، خلاقیت و کنترل درونی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به قابلیت‌های ریسک‌پذیری و استقلال‌طلبی آنان به طور معناداری بیشتر است، علاوه بر این نتایج آزمون معنی داری (مندرج در جدول شماره ۲) نشان می‌دهد که میانگین نمره کل قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ۱۵۵/۱۵ شده است که از میزان متوسط نمره معیار ۱۵۰ بالاتر است و این مقدار در سطح ( $t=137/64 \text{ sig}=0.001$ ) معنادار است، بنابراین میزان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از میانگین متوسط بالاتر است و فرضیه ۱ تایید می‌شود.

فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بالاتر از میانگین است. برای سنجش فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، پنج فعالیت مهم در نظر گرفته شد. نمره معیار از طریق محاسبه نمره متوسط در هر فعالیت به دست آمد. در جدول شماره ۳ میانگین، انحراف معیار و نمره معیار دانشجویان در فعالیت‌های مورد بررسی آورده شده است.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون تی استیودنت تک‌نمونه‌ای فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

فعالیت	میانگین	انحراف معیار	تعداد	نمره معیار	آماره آزمون تی استیودنت	درجه آزادی	معنی داری
فعالیت‌های کارآفرینی کلی	۸/۶۵	۲/۴۲	۲۰۰۰	۱۵	۱۶/۴۳	۱۹۹۹	۰/۰۶۷
نگارش مقاله و تحقیق	۱/۸۵	۳/۸۹	۲۰۰۰	۳	۶/۷۲	۱۹۹۹	۰/۰۵۵

عضویت در انجمن	۲/۲۰	۴/۱۵	۲۰۰۰	۳	۷/۴۹	۱۹۹۹	۰/۰۵۲
انجام طرح‌های ابتکاری	۵/۰۵	۵/۰۱	۲۰۰۰	۳	۱۴/۲۴	۱۹۹۹	۰/۰۱۲
شرکت در کارگاه آموزشی	۱/۶۰	۳/۶۷	۲۰۰۰	۳	۶/۱۵	۱۹۹۹	۰/۰۵۳
گذراندن درس کارآفرینی	۵/۳۵	۴/۹۱	۲۰۰۰	۳	۱۱/۵۱	۱۹۹۹	۰/۰۱۰

نتایج این جدول نشان می‌دهد که: میانگین نمره فعالیت، نگارش مقاله و تحقیق، ۱.۸۵ است که از به مراتب از میزان متوسط نمره معیار ۳ کوچکتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.055$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که نمی‌توان فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت معنادار بین میزان فعالیت نگارش مقاله و تحقیق در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره فعالیت نگارش مقاله و تحقیق در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رد می‌گردد. میانگین نمره فعالیت عضویت در انجمن کارآفرینی دانشجویان، ۲.۲۰ است که به مراتب از میزان متوسط نمره معیار ۳ کوچکتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.052$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که نمی‌توان فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت معنادار بین میزان فعالیت عضویت در انجمن کارآفرینی دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره فعالیت عضویت در انجمن کارآفرینی دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی رد می‌گردد. میانگین نمره فعالیت انجام طرح‌های ابتکاری، ۵.۰۵ از میزان متوسط نمره معیار ۳ بزرگتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.012$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که می‌توان فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت معنادار بین میزان فعالیت انجام طرح‌های ابتکاری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن،

میانگین نمره فعالیت انجام طرح‌های ابتکاری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تایید می‌گردد. میانگین نمره فعالیت شرکت در کارگاه آموزشی، ۱.۶۰ است که به مراتب از میزان متوسط نمره معیار ۳ کوچکتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.053$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که نمی‌توان فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت معنادار بین میزان فعالیت شرکت در کارگاه آموزشی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره فعالیت شرکت در کارگاه آموزشی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رد می‌گردد. میانگین نمره فعالیت گذراندن درس کارآفرینی، ۵.۳۵ از میزان متوسط نمره معیار ۳ بزرگتر است. مقایسه سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig}=0.010$ ) با آلفای معیار قضاوت محقق ( $\alpha=0.05$ ) نشان می‌دهد که می‌توان فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت معنادار بین میزان فعالیت گذراندن درس کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با سطح متوسط، را رد نمود. لذا فرضیه محقق مبنی بر بالاتر از میانگین بودن، میانگین نمره فعالیت گذراندن درس کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تایید می‌گردد.

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۳ در می‌یابیم که میانگین فعالیت‌های انجام طرح‌های ابتکاری و گذراندن درس کارآفرینی نسبت به فعالیت‌های نگارش مقاله و تحقیق، عضویت در انجمن کارآفرینی و شرکت در کارگاه‌های آموزشی بیشتر است، علاوه بر این نتایج آزمون معنی داری (مندرج در جدول ۳) نشان می‌دهد که میانگین نمره کل فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ۸/۶۵ شده است که از میزان متوسط نمره معیار ۱۵ پائین‌تر است و این مقدار در سطح ( $t=16/43 \text{ sig}=0.0671$ ) معنادار نیست، بنابراین میزان فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از میانگین متوسط پائین‌تر است و فرضیه ۲ رد می‌شود.

آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌های کارآفرینانه دانشجویان، نقش مثبت و معناداری داشته است. جدول شماره ۴ دیدگاه دانشجویان را در خصوص نقش آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان نشان می‌دهد. همان گونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، از دیدگاه ۷۲ درصد از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ایران آموزش‌های کارآفرینی دانشگاه در توسعه پیشرفت طلبی؛ از دیدگاه ۵۴ درصد در توسعه خلاقیت و از دیدگاه ۶۴ درصد از آنان در توسعه استقلال طلبی دانشجویان نقش زیادی داشته است و تنها از دیدگاه ۱۸ درصد از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ایران آموزش‌های کارآفرینی

دانشگاه در توسعه استقلال طلبی دانشجویان نقش داشته است. علاوه بر این از دیدگاه ۸ درصد از دانشجویان نیز آموزش‌های کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی ایران در توسعه ریسک‌پذیری دانشجویان نقش داشته است. علاوه بر این نتایج آزمون معنی داری (مندرج در جدول شماره ۴) نشان می‌دهد که از دیدگاه ۴۲/۹ درصد از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ایران آموزش‌های کارآفرینی دانشگاه در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان نقش زیادی داشته است، با توجه به سطح معنی‌داری و خی دو به دست آمده ( $\chi^2=73/54$  sig= $0.0671$ ) می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه ۳ تأیید می‌شود، بنابراین آموزش‌های دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان نقش داشته است.

جدول شماره ۴: نقش آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی

دانشجویان

زمینه‌های کارآفرینی	زیاد/مناسب		تا حدودی		کم/نامناسب		آزمون فرضیه		
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	$\chi^2$	معنی داری	
قابلیت	کلی	۸۵۸	۴۲/۹٪	۵۰۸	۲۵/۴٪	۶۳۴	۳۱/۷٪	۷۳/۵۴	۰/۰۰۰
	پیشرفت طلبی	۱۴۴۰	۷۲٪	۳۰۰	۱۵٪	۲۶۰	۱۳٪	۶۴/۹۶۰	۰/۰۰۰
	استقلال طلبی	۳۶۰	۱۸٪	۷۸۰	۳۹٪	۸۶۰	۴۳٪	۵۵/۶۸	۰/۰۰۰
	خلاقیت	۱۰۷۰	۵۴٪	۵۱۰	۲۶٪	۴۲۰	۲۰٪	۸۸/۸۶۰	۰/۰۰۰
	ریسک‌پذیری	۱۵۰	۸٪	۵۱۰	۲۶٪	۱۳۴۰	۶۷٪	۱/۲۳۲	۰/۰۰۰
	کنترل درونی	۱۲۷۰	۶۴٪	۴۴۰	۲۲٪	۲۹۰	۱۴٪	۳/۴۲۷	۰/۰۰۰



آموزش‌های دانشگاهی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان نقش مثبت و معناداری داشته‌است. همان‌گونه که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است، از منظر دانشجویان، آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان در زمینه‌های نگارش مقاله و تحقیق، فراهم ساختن زمینه عضویت دانشجویان در انجمن کارآفرینی دانشگاه، فراهم ساختن زمینه شرکت دانشجویان در کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی، نقش مثبت و معناداری به لحاظ آماری داشته، اما در زمینه‌های تشویق به انجام طرح‌های ابتکاری و ارائه درس کارآفرینی برای دانشجویان گروه‌های مختلف به عنوان یک درس اختیاری نقش معنی داری به لحاظ آماری وجود ندارد. علاوه بر این نتایج آزمون معنی داری (مندرج در جدول شماره ۵) نشان می‌دهد که از دیدگاه ۵۲/۲ درصد از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی ایران آموزش‌های کارآفرینی دانشگاه در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان نقش زیادی داشته است، با توجه به سطح معنی داری و خی دو به دست آمده ( $\chi^2 = 66/46$  sig = ۰.۰۰۰) می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه ۴ تأیید می‌شود، بنابراین آموزش‌های دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان نقش داشته است.

جدول شماره ۵: نقش آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه

دانشجویان

آزمون فرضیه		کم/نامناسب		تا حدودی		زیاد/مناسب		زمینه‌های کارآفرینی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
معنی داری	$\chi^2$								
۰/۰۰۰	۶۶/۴۶	%۲۷/۱	۵۴۲	%۱۲/۱۵	۲۴۳	%۵۲/۲	۱۰۴۴	کلی	فعالیت
۰/۰۰۰	۷۹/۳۸	%۱۵	۳۰۰	%/۰۵	۷۰	%۸۴	۱۶۳۰	نگارش مقاله و تحقیق	
۰/۰۰۰	۷۲/۶۲	%/۲۰	۳۹۰	%/۱	۵۰	%۷۹	۱۵۶۰	عضویت در انجمن	

انجام طرح ابتکاری	۲۲۰	٪۱۱	۹۵	٪۴۸	۸۳۰	٪۴۲	۰/۰۲۰	۰/۰۸۸
شرکت در کارگاه آموزشی	۱۶۸۰	٪۸۳	۱۱۰	٪۶	۲۱۰	٪۱۱	۹۲/۴۸	۰/۰۰۰
گذراندن درس کارآفرینی	۱۳۰	٪۷	۸۹۰	٪۴۳	۹۸۰	٪۵۰	۸/۰۰	۰/۰۵۵

### نتیجه گیری

دانشگاه آزاد اسلامی به علت داشتن امکانات آموزش و پژوهش پیشرفته و نیروهای کارشناس و کاردان می‌تواند در بخش‌های گوناگون بازار کار کشور فعالیت نماید، مواد و دستگاه‌های گوناگون تولید کند و با ارائه طرح‌های تولید سودآور به سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، زمینه ایجاد واحدهای مختلف تولیدی را فراهم آورد و از این راه کارآفرین باشد. آشناسازی دانشجویان با نظریه‌های اقتصادی کارآفرینی، ایجاد گسترش رشته‌ها، دوره‌ها و واحدهای درس و مراکز کارآفرینی در واحدهای دانشگاه‌ها و پشتیبانی دولت از موسسات آموزش عالی کارآفرین از راه کارهای مهمی است که به توسعه کارآفرینی در کشور می‌انجامد. در این مقاله به بررسی یک سؤال اساسی (نقش آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه زمینه های کارآفرینی (قابلیت‌ها و فعالیت‌ها) تا چه اندازه است؟)، پرداخته شد و ضمن بررسی پیشینه نظری و تجربی موضوع، چهار فرضیه اساسی مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه به تبیین هر یک خواهیم پرداخت.

در رابطه با فرضیه اول (قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بالاتر از میانگین است)، نتایج نشان داد که میانگین قابلیت‌های پیشرفت طلبی، خلاقیت و کنترل درونی

دانشجویان نسبت به قابلیت‌های ریسک‌پذیری و استقلال‌طلبی آنان بیشتر است، بنابراین میزان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از میانگین متوسط بالاتر است و فرضیه ۱ تأیید می‌شود.

در رابطه با فرضیه دوم (فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بالاتر از میانگین است)، نتایج نشان داد که میانگین فعالیت‌های انجام‌طرح‌های ابتکاری و گذراندن درس کارآفرینی نسبت به فعالیت‌های نگارش مقاله و تحقیق، عضویت در انجمن کارآفرینی و شرکت در کارگاه‌های آموزشی بیشتر است، بنابراین میزان فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از میانگین متوسط پایین‌تر است و فرضیه ۲ رد می‌شود.

در رابطه با فرضیه سوم (آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان نقش دارد)، نتایج نشان داد که از دیدگاه دانشجویان آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه کلیه قابلیت‌های کارآفرینی آنان نقش داشته است، بنابراین فرضیه ۳ در خصوص نقش آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه کلیه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان تأیید می‌شود. بنابراین آموزش‌های دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان نقش داشته است و فرضیه ۳ تأیید می‌شود.

در رابطه با فرضیه چهارم (آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان نقش دارد)، نتایج نشان داد که از دیدگاه دانشجویان آموزش‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان در زمینه‌های نگارش مقاله و تحقیق، فراهم ساختن زمینه عضویت دانشجویان در انجمن کارآفرینی دانشگاه، فراهم ساختن زمینه شرکت دانشجویان در کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی، نقش معنی‌داری به لحاظ آماری داشته، اما در زمینه‌های تشویق به انجام طرح‌های ابتکاری و ارائه درس کارآفرینی برای دانشجویان گروه‌های مختلف به عنوان یک درس اختیاری نقش معنی‌داری به لحاظ آماری وجود ندارد، بنابراین آموزش‌های دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان نقش داشته است و فرضیه ۴ تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج و یافته‌های این تحقیق و با توجه به مباحث گفته شده و بیان این حقیقت که اشتغال زایی و کارآفرینی از اهم وظایف دولت است و این که صرفاً وظیفه دانشگاه مقوله آموزش و پژوهش نیست و همچنین با توجه به سیاست‌ها و خط مشی‌های دانشگاه آزاد اسلامی که

حرکت دانشگاه به سمت رویکرد کیفی و بحث تحقیق و پژوهش است و این رویکرد منجر به ظهور و تقویت کارآفرینی خواهد شد.

با توجه به نقش بسزای کیفیت برنامه درسی و آموزشی در ارتقای توانمندی‌های کارآفرینانه که در مطالعات (سیکولا، راسکوارا، ایکاوالکو، متیلا و یاتسکو، ۲۰۱۰)، به تایید رسیده است، و همچنین نرخ ناچیز کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه‌های کشور، پیشنهاد می‌شود که در برنامه درسی و آموزشی دانشگاه‌ها تجدید نظر صورت گیرد و تغییرات سازنده در دوره‌های مصوب و محتوای آموزشی انجام گیرد. به گونه‌ای که محتوای برنامه‌های آموزشی در جهت تقویت خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری و به طور کلی ارتقای قابلیت‌های دانشجویان تعدیل گردد. بر طبق مطالعات تسماجربا<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) آموزش کارآفرینی بر نیت کارآفرینانه دانشجویان تاثیرات مثبتی بر جای می‌گذارد. این امر لزوم توسعه آموزش‌های مهارت‌افزای نگرش محور کارآفرینی در دانشگاه‌ها و همچنین در دوره‌های آموزش پیش از دانشگاه، به خصوص دوره ابتدایی را یادآور می‌شود. همچنین بر طبق مطالعات سانچزکانیزارس و فانتس گارسیا<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) زنان بدلیل ترس از شکست، کمتر تصمیم به کارآفرینی می‌گیرند و موفقیت‌شان در راه‌اندازی بنگاه‌ها، کمتر از مردان است. این امر ضرورت تدرک محتوایی تعدیل‌گر و جهت‌دهی به آموزش صحیح دانش‌آموزان دختر برای غلبه بر ترس‌های ناشی از عدم موفقیت را متذکر می‌گردد. با توجه به یافته‌های تسماجربا<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) مبنی بر تاثیر مخرب روش‌های سنتی تدریس، ارزشیابی دانشجویان و کیفیت پایین اساتید و معلمان، بر کاهش کیفیت و توانمندی‌های دانشجویان و افت نرخ کارآفرینی در جامعه، که با بخشی از نتایج مطالعه اخیر همسو است، پیشنهاد می‌شود که برای بهبود فرهنگ کارآفرینی و بروز تحول در جامعه، تحول در رویکردهای سنتی سنجش و تدریس، در دستور کار متولیان دانشگاهی قرار گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت قابلیت‌های اساتید و معلمان در ارتقای کیفیت دانشجویان و دانش‌آموزان، تدوین چارچوب صلاحیت حرفه‌ای برای هریک از گروه‌های درسی دانشگاهی و معلمان، و به ویژه پیاده‌سازی مستمر برنامه‌های ارتقای قابلیت‌های اساتید و

---

1. Tessema Gerba

2. Sánchez Cañizares., & Fuentes García

3 Tessema Gerba

معلمان، امری ضروری است. بر طبق نتایج مطالعات سانچزکانیزارس، فانتس گارسیا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) یکی از راه‌های بهبود آموزش کارآفرینی، این است که در فرایند برگزاری دوره، زمینه‌های مساعد برای آگاه‌تر شدن دانشجویان از سود متقابل راه‌اندازی کسب و کار و نحوه ارتباط عملی این نگرش در یک وضعیت بازاریابی، فراهم شود. این یافته همسو با پیشنهادهایی است که نگارندگان به عنوان راهی ملموس برای جذب و ارتقای سطح گرایش دانشجویان به راه‌اندازی کارگاه‌ها و ایجاد نگرش کارآفرینی و فاصله گرفتن از روحیه کارجویی، ارائه کرده‌اند. همچنین پیشنهاد شده است تا راه‌اندازی کسب و کار به عنوان یکی از ملاک‌های ارزیابی دوره‌ها مورد توجه قرار گیرد. در ادامه به برخی از مهمترین راهبردهایی که دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند در مقوله توسعه زمینه‌های کارآفرینی (قابلیت‌ها و فعالیت‌ها) دانشجویان اتخاذ نماید، اشاره شده است:

- کاربردی کردن رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به منظور آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با نحوه ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه به ویژه در رشته‌های فنی، مهندسی، کشاورزی، مدیریت، اقتصاد و بازرگانی؛
- ایجاد دوره‌های آموزش کارآفرینی (در قالب کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، دوره‌های تربیت مدرس کارآفرینی) در دانشگاه آزاد اسلامی؛
- مورد توجه قرار دادن طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی در زمینه کارآفرینی؛
- ایجاد تغییرات بنیادین در شیوه‌ها و محتوای آموزش در کلیه رشته‌های تحصیلی در مقاطع مختلف به گونه‌ای که موجب ایجاد خلاقیت و نوآوری در فراگیران شود؛
- تشکیل گروه‌های تحقیقاتی جهت بررسی پژوهش‌های انجام شده پیرامون کارآفرینی در دانشگاه‌های جهان و همچنین سنجش کیفیت برنامه‌های کارآفرینی دانشجویان و ارائه بازخوردهای اصلاحی؛
- با توجه به اینکه کارآفرینی موتور و هسته اصلی تغییر در تعادل اقتصادی است باید توسعه و نوآوری و نقش سریع و مؤثر آن در بازار نیز بررسی شود؛
- دانشگاه آزاد اسلامی با حمایت سازمان مرکزی دانشگاه باید سعی نماید با حداکثر امکانات شمار بیشتری از دانشجویان را در جهت کارآفرینی تشویق و هدایت نماید؛

1 Sánchez Cañizares., & Fuentes García

- برگزاری همایش‌های تخصصی کارآفرینی با همکاری اساتید عضو هیئت علمی؛  
 - تحول رویکردهای سنجش دانشجویان و دانش‌آموزان از رویه‌های سنتی به رویه‌های نوین؛  
 - تربیت و پرورش اساتید جهت انجام آموزش‌های کارآفرینانه به دانشجویان؛  
 - راه‌اندازی رشته‌های مرتبط با کارآفرینی در دانشگاه آزاد اسلامی و اینکه چه موضوعاتی در دوره آموزش کارآفرینی باید تدریس شود و مشخص نمودن فهرست دروس و سر فصل این رشته‌ها. همچنین دانشگاه می‌تواند بر حسب ویژگی گروه‌های مختلف آموزش خود و نیازهای محلی برنامه آموزشی خاصی را طراحی نمایند.

در رابطه با توسعه گرایش‌ها و قابلیت‌های فردی کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی پیشنهاد می‌شود که دانشگاه آزاد اسلامی زمینه‌ای را فراهم سازد که در آن: اهل عمل بودن؛ روحیه احترام گذاشتن به قانون و مقررات؛ امید داشتن در هنگام شکست خوردن؛ افزایش توانایی برنامه‌ریزی و جهت دادن به فعالیت‌ها؛ داشتن استقلال در عقاید؛ مسئولیت‌پذیر بودن؛ توانایی تصمیم‌گیری به صورت مستقل؛ توان بیان افکار و نظرات خود در برابر دیگران؛ قدرت خلاقیت و نوآوری؛ توانایی مشکل‌یابی و تشخیص تنگناها؛ پرورش تفکر انتقادی و بهره‌ور؛ انجام کارها به طرق جدید و برخلاف روش‌های مرسوم؛ پرورش روحیه کنجکاوی و پرسشگری؛ خطرپذیری توأم با استدلال و محاسبات علمی (ریسک کردن)؛ تمایل به ایجاد نوآوری‌ها در روش‌های مرسوم؛ باور بر خرافه بودن خوش‌شانسی و بد‌شانسی؛ توان استفاده از موقعیت‌ها و فرصت‌ها؛ علاقه به مطالعه و تحقیق قبل از شروع کار جدید و تقویت روحیه انعطاف‌پذیری در دانشجویان، تشویق و مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

۱. احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۹). کارآفرینی: تعریف، نظریات و الگوها. تهران: انتشارات پردیس.
۲. امیری، علی نقی؛ و مرادی، یزدان (۱۳۸۷). نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی و آموزش عالی. شماره ۴۹: ۶۷-۴۵.
۳. بدری، احسان (۱۳۸۴). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
۴. خانی، مرتضی؛ و سرافرازی، مهرزاد (۱۳۸۹). راهبردهای دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه کارآفرینی. تهران: همایش کارآفرینی در ایران ۱۴۰۴.
۵. حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۲). کارآفرینی: چالش‌های جدید مدیریت آموزشی. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش. شماره ۳۳-۳۴: ۶۵-۴۸.
۶. حسینی، محمود؛ و عزیزی، بهارک (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر در توسعه مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. مجله علوم کشاورزی ایران. دوره ۳۸-۲، شماره ۲: ۲۵۱-۲۴۱.
۷. سالارز، میلنو (۲۰۰۳). مقدمه‌ای بر کارآفرینی، ترجمه سیامک نطاق (۱۳۸۳)، تهران: سازمان ملی بهره‌وری.
۸. سعیدی، محمد؛ و مهتدی، محمد مهدی (۱۳۸۷). تاثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه. فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال اول، شماره اول: ۷۳-۵۷.
۹. سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). سنجش و اندازه‌گیری در علوم تربیتی. تهران: انتشارات آگاه.
۱۰. صالحی عمران، ابراهیم؛ و رستمی، فرخنده (۱۳۸۷). بررسی تاثیر آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی. دوره ۱، شماره ۲.
۱۱. طالبی، کامبیز؛ و زارع‌یکتا، محمدرضا (۱۳۸۷). آموزش‌های دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک دانش بنیان. فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال اول، شماره اول: ۱۱۱-۱۱۰.
۱۲. عابدی، رحیم (۱۳۸۱). مروری بر مکاتب فکری کارآفرینی. مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان. ویژه‌نامه اقتصاد و مدیریت. ۱۷۷-۱۵۵.
۱۳. عزیزی، محمد (۱۳۸۲). بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر

کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.  
 ۱۴. مهدی وند، میرحسین؛ و زالی، محمدرضا (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه‌ی فکری بر گرایش کارآفرینانه و عملکرد سازمانی در کسب و کارهای نانو. فصلنامه توسعه کارآفرینی. شماره ۱۴: ۴۷-۶۶.  
 ۱۵. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی - اجتماعی شهر تهران، رساله دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.  
 ۱۶. یارائی، علی (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

17. Autio, E. (1997). The State of Entrepreneurship Education, International Entrepreneurship Conference. Proceeding Dortmund Germany.
18. Bygrave, W.D., & Hofer, C.W. (1991). Theorizing about entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, winter, 12-22.
19. Henesmark, H. (2003). Introduction to Special Issue on Science Policy Dimensions of the Triple Helix of University industry government Relations. *Science and Public Policy*, Vol.24, No.1: 2-5.
20. Hitt, M.A., Ireland, R.D., Camp, S.M., & Sexton, D.L. (2001). Strategic entrepreneurship: Entrepreneurial strategies for wealth creation [Special issue]. *Strategic Management Journal*, 22(6), 479-492.
21. Howard, S. (2004). Developing Entrepreneurial Potential in Youth: the Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation. University of South Florida Report: 73-17.
22. Jenings, D. (1994). Multiple Perspectives of Entrepreneurship Test, Reading and Cases. Cincinnati, Ohio: South- Western Publishing: 124.
23. Klofsten, M. (1997). *Management Entrepreneurship: Way a Head*. London: Routledge.
24. Kuashik, S. (2006). How Higher Education in rural India helps human rights and Entrepreneurship. *Journal of Asian Economics*. No: 17: 2934.
25. Lepistö, J., & Ronkko, M.L. (2013). Teacher students as future entrepreneurship educators and learning facilitators, *Education + Training*, 55(7), pp.641 - 653
26. McClelland, D. (1962). Business Drive and National Achievement. *Harvard Business Review*. No: 40: 99-112.
27. Postigo, F. (2005). The Cumulative Nature of the Entrepreneurial Process: The Contribution of Human Capital. Planning and Environment Resources to Small Venture Performance. *Journal of Business Venturing*. Vol: 22.
28. Rashed, H.S. (2000). Developing Entrepreneurial Potential in Youth" the effect of Entrepreneurial Education. Available at: [www.Coba.usf.edu](http://www.Coba.usf.edu).
29. Rissal, R. (۱۹۹۲). A Study of the Characteristics of Entrepreneurs in Indonesia; EDD Dissertation. U.S.A.: George Washington University.
30. Sánchez Cañizares, S.M., & Fuentes García, F.J. (2010). Gender differences in entrepreneurial attitudes, Equality, Diversity and Inclusion: An International Journal, 29(8), pp766 – 786



31. Seikkula-Leino, J., Ruskovaara, E., Ikavalko, M., Mattila, J., & Rytkola. (2010). Promoting entrepreneurship education: the role of the teacher?, *Education + Training*, 52 (2), pp.117 – 127
32. Solomon, G.T., & Fernald, L.W. (1993). Assessing the need for small business management/entrepreneurship courses at the university level. *Proceedings of the 17th National Small Business Consulting Conference-Small Business Institute Director's Association*, 102-107.
33. Steffensen, M., E.M. Rogers., & Speakman, K. (2001). Spin-offs from research centers at a research university, *Journal of Business Venturing* 15, p.93-111.
34. Tessema, G. D. (2012) Impact of entrepreneurship education on entrepreneurial intentions of business and engineering students in Ethiopia, *African Journal of Economic and Management Studies*. 3(2), pp.258 – 277.
35. Tessema, G.D.(2012). The context of entrepreneurship education in Ethiopian universities, *Management Research Review*, 35(3/4), pp.225 - 244
36. Ussman, A. (1998). *University and Entrepreneurship Developing International*. Confronce Budapest Hungary. July.
37. Brush, C. G., & Vanderwerf, P. A. (1992). A comparison of methods and sources for obtaining estimates of new venture performance. *Journal of Business Venturing*, 7(2), pp 157-170